

---

**منتشر شده در مجله جنوب جهانی**

---

**جنوب جهانی و چین: مأموریت و بینش برای تغییر راهبرد تمدن انسانی**

---



**ترجمه و جمع آوری از جنوب جهانی**

---

مفهوم "جنوب جهانی" به یک موضوع مهم در بحث‌های بین‌المللی تبدیل شده است. این مفهوم نشان‌دهنده تغییرات و روندهایی در توازن قدرت بین کشورهای توسعه‌یافته (شمال) و کشورهای در حال توسعه (جنوب) است. این تغییرات در مواجهه با چالش‌های قرن بیست و یکم برای جهان رخ می‌دهند.

از زمان گسترش سرمایه‌داری جهانی، نظام‌های ارزشی و الگوهای دانش غربی تأثیر زیادی بر روابط بین‌المللی و مسیر تمدن بشری داشته‌اند. با این حال، با ظهور جهانی چندقطبی و بیداری کشورهای "جنوب جهانی"، این گروه بزرگ از کشورهای در حال توسعه، مأموریتی تاریخی برای خود تعریف کرده‌اند:

\* ایجاد نظام دانش مستقل: این کشورها به دنبال ایجاد نظام دانش بومی و مستقل از تأثیرات غربی هستند.

\* یافتن مسیر توسعه مستقل: آن‌ها تلاش می‌کنند تا مسیر توسعه‌ای متناسب با شرایط و نیازهای خود را پیدا کنند.

\* بازسازی نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی: کشورهای "جنوب جهانی" می‌خواهند در ساختار قدرت جهانی نقش فعال‌تری داشته باشند و نظمی عادلانه‌تر را برقرار کنند.

چین به عنوان یکی از اعضای برجسته "جنوب جهانی" با تلاش‌های خود در زمینه‌های مختلف، از جمله مدرنیزاسیون و ابتکارات بین‌المللی، به این کشورها در تعریف مجدد مسیر تمدن بشری کمک می‌کند.

مفهوم "جنوب جهانی" ریشه‌ای عمیق در زمینه‌های تاریخی دارد. پس از جنگ جهانی دوم، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین شاهد افزایش بی‌سابقه‌ای در حرکت‌های آزادی‌بخش ملی بودند. کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ نشان‌دهنده ظهور کشورهای در حال توسعه به‌عنوان نیروی سیاسی مستقل

روی صحنه جهانی بود. با فروپاشی سیستم استعماری جهانی، دستیابی به توسعه اقتصادی و همکاری جنوب-جنوبی (South-South Cooperation) برای اکثر کشورهای در حال توسعه به عنوان اولویت قرار گرفت.

در نیمه دوم قرن بیستم، با توجه به اینکه اکثر کشورهای در حال توسعه در نیمکره جنوبی و کشورهای توسعه یافته در نیمکره شمالی قرار دارند، اصطلاح "کشورهای جنوبی" و "کشورهای شمالی" در محافل دانشگاهی بین‌المللی مطرح شد. در سال ۱۹۸۰، کمیسیون برنندت با گزارشی با عنوان "شمال-جنوب: برنامه‌ای برای بقا" خط مشی "خط برنندت" را بین شمال و جنوب مطرح کرد.

با ظهور مفهوم "جنوب جهانی"، که شامل تمام کشورهای در حال توسعه است، این گروه به عنوان نیرویی مهم در بازسازی نظم بین‌المللی و تعریف مجدد راهبرد تمدن انسانی نقش آفرینی کرده است. چین نیز به عنوان عضوی اصیل از این گروه، با طرح‌هایی مثل مبادرت توسعه جهانی (Global Development Initiative)، طرح امنیت جهانی (Global Security Initiative) و طرح تمدن جهانی (Global Civilization Initiative)، به تقویت همکاری با جنوب جهان کمک کرده است.

تأثیر مرکزگرایی غربی بر "جنوب جهان":

مفهوم توسعه در غرب.

توسعه، امنیت و تمدن از مسائل اساسی هستند که مستقیماً بر منافع و آینده کشورهای جنوب جهان تأثیر می‌گذارند. از زمان گسترش سرمایه‌داری جهانی، سیستم ارزشی و الگوی دانش غربی بر تعاملات بین‌المللی و راهبرد تمدن انسانی حاکم بوده است. این تأثیرات چند وجهی و عمیقی بر مسیر توسعه، منظر امنیت و بافت پرهیز جنوب جهان گذاشته است.

مفاهیم توسعه در غرب، که بر پایه نظریه مدرنیزاسیون استوار شده، منجر به وابستگی و توسعه ناقص کشورهای جنوبی شده است. این نظریه، با تأکید بر رشد اقتصادی بدون توجه به شرایط خاص هر منطقه، به جای حل مسائل، تناقضات ساختاری را در کشورهای جنوبی تشدید کرده است.

نظریه‌های مدرنیزاسیون غربی، که از تجارب صنعتی‌سازی و آزادسازی کشورهای توسعه‌یافته استفاده می‌کرد، به‌عنوان ابزاری برای گسترش نئواستعماری عمل کرده است. این نظریه‌ها، به‌جای اینکه کشورهای جنوبی را به رشد مستقل برسانند، آن‌ها را به وابستگی بیشتری درگیر کردند.

مفهوم امنیت در غرب.

امنیت یکی از ضرورت‌های اصلی برای بقا و پیشرفت کشورهاست. غرب، با تأکید بر مفهوم دوگانه امنیت، امنیت خود را در اولویت قرار داده و امنیت دیگران را به‌طور ثانویه در نظر گرفته است. ایالات متحده، به‌عنوان نمونه، با استفاده از استانداردهای دوگانه و تداخل نظامی، حکومت‌های متعددی را در سراسر دنیا سرنگون کرده و مناطق مختلف را به آشفتگی کشیده است.

مفهوم تمدن در غرب.

تمدن در دنیای غربی، به‌صورت یک ارزش سیستماتیک و علمی مطرح شده است که اغلب بر پایه ارزش‌های فردگرا، رقابت آزاد و حداکثرگرایی منافع استوار است. این مفهوم، باعث تشدید تقسیم‌بندی‌های تمدنی و حاشیه‌گذاری کشورهای جنوبی شده است. نظریه‌هایی مانند "برخورد تمدن‌ها" (Clash of Civilizations) که توسط هانتینگتون مطرح شد، تمدن را به‌عنوان مسئله‌ای سیاسی تعریف کرد و از تشدید تنش‌ها بین تمدن‌ها پشتیبانی کرد.

توافق و اقدامات "جنوب جهان" برای تعریف مجدد راهبرد تمدن انسانی.

ساختن سیستم دانش مستقل.

"جنوب جهان" باید به ساختن سیستم دانش مستقل خود بپردازد تا از حالت وابستگی به دانش غربی خارج شود. این فرآیند شامل تقویت تحقیقات علمی، فناوری و نوآوری در بین کشورهای جنوبی است. در سال ۲۰۲۳، گروه ۷۷ و چین با اعلان "روز نوآوری و فناوری کشورهای جنوبی"، تاکید بر اهمیت دانش و فناوری در توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه کرد.

کشف بهترین مسیر توسعه مستقل.

کشورهای جنوبی باید مسیری را برای توسعه مستقل و پایدار پیدا کنند. این مسیر شامل ایجاد مدل‌های سیاسی دموکراتیک، ترکیب بین استقلال اقتصادی و بازشدن به جهان، تمرکز بر حقوق مردم و پیروی از مسیری از توسعه صلح‌آمیز است.

برقراری نظم بین‌المللی عادلانه.

در دوران چندقطبی و جهانی‌شدن، برقراری نظم بین‌المللی عادلانه برای حفظ استقرار و رشد جهانی ضروری است. کشورهای جنوبی باید به‌عنوان نیروهای فعال در نظام بین‌المللی عمل کنند و به بازسازی نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی کمک کنند.

بینش و کمک چین در بازسازی راهبرد تمدن انسانی.

مدرنیزاسیون چین و ایجاد نوع جدیدی از تمدن،

مدرنیزاسیون چین، که بر پایه اصول مارکسیسم و با توجه به ویژگی‌های ملی خود استوار شده، به‌عنوان نمونه‌ای از توسعه پایدار و موفق در کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود. این مدرنیزاسیون شامل رشد جمعیت بزرگ، دنبال کردن رفاه مشترک، هماهنگی مادی و معنوی، همسویی با طبیعت و پیروی از مسیر صلح است.

### همکاری چین با جنوب جهانی

چین با طرح‌هایی مانند ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road Initiative)، ابتکارهای توسعه جهانی و مبادره امنیت جهانی، به تقویت همکاری با کشورهای جنوبی کمک کرده است. این مبادرات به ایجاد فرصت‌های توسعه برای کشورهای جنوبی کمک کرده و پایه‌هایی برای همکاری جنوب-جنوبی را فراهم آورده است.

در سال‌های اخیر، "جنوب جهانی" به‌عنوان موضوعی برجسته در بحث‌های بین‌المللی ظاهر شده است. این گروه که شامل کشورهای با ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی مختلف است، در حال تقویت هویت مشترک و همکاری خود است. چین به‌عنوان بخشی از این گروه، با تأکید بر اصولی مانند مشورت، همکاری و سودمندی مشترک، به تقویت موقعیت کشورهای جنوبی در نظام بین‌المللی کمک کرده است.

حالا که سیستم مرکزگرایی غربی در برابر چالش‌های ساختاری و سیستمی قرار گرفته، چین با پیشنهاد ابتکارهای نوین، به تقویت تمدن انسانی و تشویق کشورهای جنوبی در تعریف مجدد راهبرد خود کمک می‌کند. این پیشروی‌ها، باعث شده است که جنوب جهان به‌عنوان نیروی کلیدی در بازسازی نظم بین‌المللی و تقویت همکاری جهانی شناخته شود.

ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road Initiative) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تقویت روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین چین و کشورهای جنوب جهان، به‌ویژه کشورهای آفریقا، شناخته می‌شود. این همکاری‌ها نه تنها به توسعه اقتصادی و پیشرفت زیرساخت‌های آفریقا کمک کرده است، بلکه به ایجاد یک جامعه مشترک انسانی که شامل توسعه مستقل، امنیت مشترک و تمدن‌های هماهنگ است، کمک کرده است.

چین از طریق ابتکار کمربند و جاده، برنامه‌های مختلفی را برای حمایت از توسعه کشورهای آفریقا اجرا کرده است. این ابزارها شامل پروژه‌های زیرساختی، کمک‌های توسعه‌ای، گسترش تجارت دوطرفه، و تعهد به توسعه پایدار هستند.

چین نقش برجسته‌ای در ساخت و ساز پروژه‌های زیرساختی در آفریقا ایفا کرده است. این پروژه‌ها شامل ساخت راه‌ها، خطوط ریلی، نیروگاه‌ها، و بندرها است که به توسعه اقتصادی و صنعتی این منطقه کمک می‌کند.

در اینجا چند نمونه از فعالیت‌های مشترک جمهوری خلق و کشورهای آفریقایی را یادآور می‌شویم

- خط ریل مومباسا-نایروبی (Mombasa-Nairobi Standard Gauge Railway): این پروژه در کنیا، که با همکاری چین انجام شده است، به بهبود حمل و نقل و ارتباطات در شرق آفریقا کمک کرده است.

- نیروگاه آبی گبوله (Gibe III Dam) در اتیوپی: این نیروگاه، که با حمایت چین ساخته شده است، به تأمین برق در اتیوپی و منطقه کمک می‌کند.

کمک‌های توسعه‌ای: چین از طریق صندوق توسعه جهانی چین و صندوق همکاری جنوب-جنوب چین، کمک‌های زیادی به کشورهای آفریقا ارائه کرده است. این کمک‌ها شامل /

تعهد به توسعه پایدار: چین در چارچوب ابتکار کمربند و جاده، به اصول توسعه پایدار و هدف‌های توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) پایبندی کرده است. این تعهد شامل حمایت از پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، کشاورزی، و بهداشت عمومی است.

- پروژه‌های انرژی خورشیدی در آفریقا: چین به کشورهایمانند جزایر کمرون و غنا کمک کرده است تا پروژه‌های انرژی خورشیدی را به اجرا بگذارند و به کاهش وابستگی به منابع انرژی سنتی بپردازند.

- پروژه‌های کشاورزی: چین به کشورهای آفریقایی کمک کرده است تا تولید کشاورزی خود را افزایش دهند. برای مثال، در زامبیا، چین به ارتقاء فناوری کشاورزی و بهبود محصولات کشاورزی کمک کرده است.

گسترش تجارت دوطرفه: چین به‌عنوان بزرگترین شریک تجاری آفریقا، با افزایش حجم تجارت با این کشورها، به ارتقاء اقتصاد آنها کمک کرده است. این تجارت شامل صادرات مواد اولیه، فناوری، و کالاهای صنعتی است.

- تجارت با نیجریه: نیجریه به‌عنوان بزرگترین اقتصاد آفریقا، با چین روابط تجاری قوی دارد. چین به نیجریه کمک می‌کند تا صنایع خود را توسعه دهد و به‌ویژه در حوزه‌های نفت، گاز، و فناوری اطلاعات با آن همکاری می‌کند.

- صادرات مواد معدنی از آفریقا به چین: کشورهایمانند کنگو دموکراتیک، که با فراوانی مواد معدنی مانند معادن لیتیوم و کوبالت مشهور است، از صادرات به چین بهره‌مند شده‌اند.

همدلی با چالش‌های آفریقا: چین به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، به چالش‌های کشورهای آفریقایی در حوزه‌هایی مانند فقر، بیماری‌ها، و تغییرات آب و هوایی حساسیت نشان می‌دهد و در حل این مشکلات کمک می‌کند.

- پروژه‌های بهداشتی: چین در کشورهای مانند سنگال و آنگولا، بیمارستان‌های جدید ساخته و تجهیزات پزشکی ارائه داده است.

- کمک به مدیریت تغییرات آب و هوایی: چین به کشورهای آفریقایی کمک کرده است تا به‌صورت محلی به تغییرات آب و هوایی پاسخ دهند. برای مثال، در سومالی، چین به پروژه‌های مدیریت آب و جلوگیری از خشکسالی کمک کرده است.

دیگر ابتکارهای چین در آفریقا:

ابتکار توسعه جهانی (Global Development Initiative):

این ابتکار شامل پشتیبانی از توسعه مستقل کشورهای آفریقا است.

- پروژه‌های آموزش و پرورش: چین به کشورهای آفریقا کمک می‌کند تا سیستم‌های آموزشی خود را بهبود بخشند. در زیمبابوه، چین مدارس و دانشگاه‌های جدید ساخته است.

ابتکار امنیت جهانی (Global Security Initiative): چین به کشورهای آفریقا در مبارزه با تروریسم، بحران‌های انسانی، و ناآرامی‌های منطقه‌ای کمک می‌کند.

- در جمهوری مرکز آفریقا، چین به تقویت نظامی و امنیتی این کشور کمک کرده است.

ابتکار تمدن جهانی (Global Civilization Initiative): چین با تأکید بر احترام به تمدن‌های مختلف، به ارتقاء روابط فرهنگی با کشورهای آفریقا پرداخته است.

- جشنواره‌های فرهنگی: چین در کشورهایمانند زامبیا و موزامبیک جشنواره‌های فرهنگی برگزار کرده و به ارتباطات فرهنگی کمک کرده است.

با این حال با تمام این ابتکارها چین معتقد است، "جنوب جهانی" نباید به‌عنوان زمینه‌ای برای رقابت‌های سیاسی یا مانور جغرافیایی-سیاسی در نظر گرفته شود. بلکه باید به‌عنوان-پلتفرم همکاری و توسعه مشترک عمل کند. چین و کشورهای جنوبی باید با هم در تعریف مجدد راهبرد تمدن انسانی و ایجاد یک جامعه جهانی پایدار و هماهنگ نقش‌آفرینی کنند.